

تشریح ساختار حساب‌های ملی و سهم هریک از استان‌ها از تولید ناخالص داخلی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۹۰۵۰

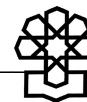
دفتر: مطالعات اقتصادی

تیر ماه ۱۳۸۷

به نام خدا

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
۱. تعریف مفاهیم و اصلاحات.....	۱
۱-۱. تولید ناخالص داخلی.....	۱
۱-۲. ارزش افزوده.....	۲
۱-۳. تولید اقتصادی.....	۲
۱-۴. چارچوب کلی عملکرد اقتصادی.....	۳
۲. تعریف سیستم حساب‌های ملی، اهمیت و کاربرد آن.....	۳
۳. تاریخچه حساب‌های ملی در ایران و جهان.....	۵
۴. سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳.....	۶
۴-۱. بخش دولت در SNA993.....	۷
۴-۲. بخش خانوار.....	۷
۴-۳. محاسبه تولید در بخش‌های نهادی.....	۷
۴-۴. کرانه تولید در سیستم.....	۷
۴-۵. نحوه انجام طبقه‌بندی‌ها در سیستم جدید حساب‌های ملی.....	۸
۴-۶. طبقه‌بندی حساب‌ها.....	۹
۵. اجزای حساب‌های ملی.....	۱۳
۵-۱. حساب تولید.....	۱۳
۵-۲. حساب ایجاد درآمد.....	۱۴
۵-۳. حساب تخصیص درآمد اولیه.....	۱۴
۵-۴. حساب توزیع ثانویه درآمد.....	۱۵
۵-۵. حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی.....	۱۵
۵-۶. حساب مصرف درآمد.....	۱۶
۵-۷. حساب سرمایه و حساب مالی: مدخلی بر حساب‌های انباشت.....	۱۶
۶. خلاصه گزارش آمار حساب‌های ملی منتهی به سال ۱۳۸۵.....	۱۸
۶-۱. سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی.....	۱۹
۶-۲. رشد اجزای هزینه تشکیل‌دهنده GDP.....	۲۱
۶-۳. سهم اجزای هزینه در محصول ناخالص داخلی.....	۲۲
۶-۴. محصول ناخالص داخلی سرانه.....	۲۳
۶-۵. محصول ناخالص داخلی استان‌ها.....	۲۳
۶-۶. ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در استان‌ها.....	۲۷



تشریح ساختار حساب‌های ملی و سهم هریک از استان‌ها از تولید ناخالص داخلی

مقدمه

هرگاه در پی اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و تحقق اهدافی چون تعدیل اندازه کسری بودجه، افزایش مخارج اجتماعی، تعقیب همگرایی و رشد کیفی متغیرهای اقتصاد کلان به منظور نیل به اهداف متعالی و پیش‌برنده توسعه اقتصادی باشیم، بی‌شک آمارهای دقیق در تعیین وضع موجود و چشم‌انداز پیش رو نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند.

در بیان اثربخشی پارادایم توسعه همین نکته بس که سیاست‌های صحیح مبتنی بر مشاهده کاربردی و درک درست و واضح از فرایند توسعه منجر به ارتقای باز داده‌ها از طریق هدایت منابع کمیاب به سمت اثربخش‌ترین استفاده از آنها و استفاده بهتر از فرایند توسعه، سیاست‌های بهتر و پیشرفت بیشتر در درآمدها می‌شود. این حلقه بازخورد از سمت نتایج به سمت سیاست‌ها و از سمت سیاست‌ها به برنامه‌ها جریان می‌یابد. بی‌تردید آشنایی با ساختار حساب‌های ملی و به‌کارگیری آن به اثربخشی فرایند توسعه موزون و همه‌جانبه و کارایی در تشخیص و انتخاب بهترین سیاست‌ها خواهد انجامید به بیان بهتر، آمارهای دقیق نماد و بنیان اصلی اخذ تصمیم و برنامه‌ریزی در عرصه اقتصاد کلان کشور است.

۱. تعریف مفاهیم و اصلاحات

۱-۱. تولید ناخالص داخلی

در میان شاخص‌های اقتصاد کلان تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا نه تنها به‌عنوان مهم‌ترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بسیاری از دیگر متغیرهای کلان اقتصاد محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می‌شوند.^۱

کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

۱. فصلنامه حساب‌های ملی، ۱۳۸۴، ص ۵۵.



GDP به عنوان شاخص ارتقای اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا از این شاخص حتی برای توصیف سایر مواردی همچون نرخ‌های فقر، جرم و جنایت یا بیسوادی نیز استفاده می‌شود. موارد ذیل نکات متعددی هستند که باید در ارتباط با بازده اقتصاد مورد توجه قرار گیرند:^۱

- GDP تولیدات بازاری و برخی از تولیدات غیربازاری را شامل می‌شود.

GDP تعبیری است که برای کالاها و خدمات که برای فروش در بازار عرضه می‌شوند، به کار می‌رود و همچنین برای مواردی که در بازار به فروش نمی‌رسد از قبیل خدمات دفاعی ارائه شده از سوی دولت، خدمات آموزشی تدارک داده شده از سوی مناطق محلی، خدمات بهداشت و مسکن ارائه شده به وسیله مؤسسات غیرانتفاعی که به خانوار خدمات‌رسانی می‌شود در این زمره هستند. اگرچه همه فعالیت‌های بهره‌ور در GDP لحاظ نمی‌شوند. برخی از فعالیت‌ها نظیر مراقبت از فرزندان خود، کار داوطلبانه بدون دستمزد و البته فعالیت‌های غیرقانونی یا بازار سیاه در این خصوص لحاظ نمی‌شود زیرا محاسبه و ارزشیابی اینها به‌طور دقیق سخت هستند.

۲-۱. ارزش افزوده^۲

ارزش کالاها و خدماتی که به‌عنوان داده‌های واسطه یک فعالیت به‌کار گرفته می‌شود به نوبه خود ستانده یک فرایند تولید بوده و لازم است از ستانده این فعالیت کسر شود تا ارزش افزوده آن به‌دست آید. به این ترتیب می‌توان گفت ارزش افزوده مساوی است با ارزش ستانده منهای ارزش مصارف واسطه.

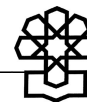
۳-۱. تولید اقتصادی^۳

فعالیتی است که با استفاده از داده‌های نیروی کار، سرمایه و کالاها و خدمات تحت کنترل و مسئولیت یک واحد نهادی، به‌منظور تولید کالاها و خدمات دیگر انجام می‌گیرد. باید یک واحد نهادی وجود داشته باشد تا مسئولیت تولید و مالکیت کالاهای تولید شده یا مسئولیت دریافت بهای خدمات ارائه شده را به عهده داشته باشد.

1. B.E.A. (Bureau of Economic Analysis). http://www.bea.gov.national/pdf/nipa_primer.pdf. p2.

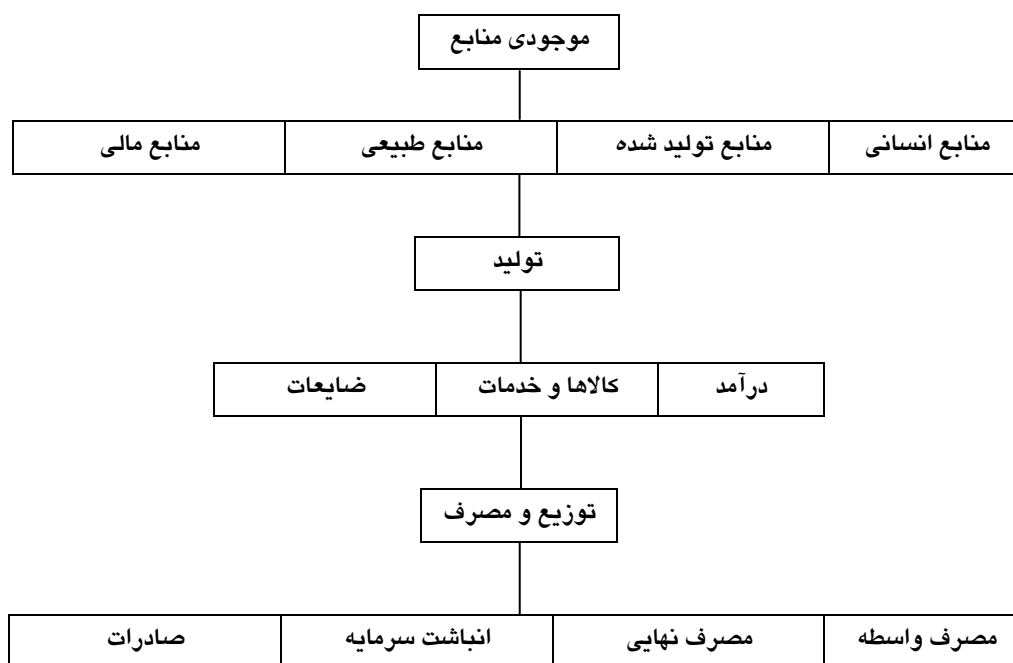
۲. مرکز آمار ایران، (حساب‌های ملی ایران، ۱۳۷۱-۱۳۸۱ به قیمت‌های جاری و ثابت سال پایه ۱۳۷۶)، تهران، مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۴.



۴-۱. چارچوب کلی عملکرد اقتصادی

حساب‌های ملی ممکن است در سطوح مختلف اقتصاد یک کشور یعنی در سطح بنگاه‌های اقتصادی، واحدهای نهادی، بخش‌های نهادی یا در سطح کل اقتصاد تنظیم شود برای مشخص شدن عملکرد اقتصادی کشور لازم است مبادلاتی که بین بخش‌های مختلف اقتصادی صورت می‌گیرد مشاهده و تحصیل شود. نمودار ذیل چارچوب عملکرد اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهد که سیستم حساب‌های ملی نیز براساس آن طراحی شده است:

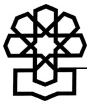


مأخذ: مرکز آمار ایران، «حساب‌های ملی ایران»، ۱۳۸۳، صفحه ۱۷.

۲. تعریف سیستم حساب‌های ملی، اهمیت و کاربرد آن

سیستم حساب‌های ملی تعامل مجموعه‌ای منسجم و سازگار از حساب‌های کلان اقتصاد است که براساس مفاهیم، تعاریف، طبقه‌بندی‌ها و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی تهیه می‌شود. این سیستم چارچوب جامعی را فراهم می‌آورد که در آن داده‌ها و اطلاعات اقتصادی به‌نحوی فراوری می‌شوند که بتوان از آنها برای حصول به اهدافی نظیر تجزیه و تحلیل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی بهره گرفت.^۱

۱. مرکز آمار ایران، (حساب‌های ملی ایران، ۱۳۷۱-۱۳۸۱ به قیمت‌های جاری و ثابت سال پایه ۱۳۷۶)، تهران، مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵.



به عبارت دیگر در این سیستم کلیه پدیده‌های اساسی اقتصاد نظیر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، تشکیل سرمایه و تأمین مالی سرمایه، واردات، صادرات و غیره در چارچوبی جامع و منسجم به طوری که برای اهداف تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تحلیل‌های اقتصادی مناسب باشد در جداول کمی استاندارد ارائه می‌شود.^۱

امروزه در کشورهای مختلف جهان حساب‌های ملی و اجزای آن به عنوان ابزار برنامه‌ریزی اقتصادی و تهیه مدل‌های اقتصادی به منظور تحلیل عملکرد اقتصاد و اندازه‌گیری رشد اقتصادی و در نهایت نیل به اهداف اساسی اقتصاد مانند توسعه اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، امحای فقر، کاهش نرخ بیکاری و مبارزه با تورم مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲

اهمیت حساب‌های ملی در این است که مهم‌ترین مبنا و مرجع داوری درباره کارایی سیاست‌های اقتصادی است. به بیان دیگر حساب‌های ملی مبنایی را به دست می‌دهد که مقایسه تاریخی عملکردهای اقتصادی دوره‌های مختلف سیاست‌گذاری را برای یک جامعه خاص امکان‌پذیر می‌سازد.^۳

به طور کلی کاربردهای عمده حساب‌های ملی و متغیرهای آن عبارتند از:^۴

- بررسی روابط متغیرهای مختلف اقتصادی به منظور تجزیه و تحلیل کلان اقتصادی،
- ارزیابی رفتار گذشته و بررسی وضعیت جاری اقتصاد به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی،
- بازنمایی تحولات اقتصادی،
- انجام مقایسه‌های تطبیقی به منظور ارزیابی عملکرد اقتصادهای مختلف در سطح بین‌المللی.

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «حساب‌های ملی ایران به تفکیک بخش‌های نهادی اقتصاد»، معاونت اقتصادی، اداره حساب‌های اقتصاد، ۱۳۸۵، خرداد ماه، ص ۴.

۲. همان، ص ۵.

3. Gilbert, Milton. "Measuring National Income", Jstor, vol 37, No. 218, P.186 (<http://www.jstor.org/pss./2279213>)

۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «حساب‌های ملی ایران»، خرداد ۱۳۸۵، ص ۵.



۳. تاریخچه حساب‌های ملی در ایران و جهان^۱

تاریخ حساب‌های ملی ایران به سال‌های میانی و آخر دهه ۱۳۳۰ بازمی‌گردد. پس از کوشش‌های پراکنده‌ای که غالباً توسط کارشناسان خارجی برای به دست دادن برآوردی از تولید ناخالص داخلی و تولید ملی ایران برای سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۶ انجام شد، سازمان برنامه بنا به احساس نیاز برای انجام مطالعات و برآوردهای دقیق‌تر، درآمد ملی کشور را برای سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۴۰ به تفصیل و به تفکیک فعالیت‌های مختلف اقتصادی برآورد و منتشر کرد. قبل از تأسیس بانک مرکزی نیز برآورد مقدماتی دیگری توسط بانک ملی ایران برای سال ۱۳۳۸ انجام شد. با تأسیس بانک مرکزی در سال ۱۳۳۹، کار محاسبات ملی به این بانک محول شد. از سوی دیگر تهیه حساب‌های ملی در ایران از سال ۱۳۵۳ مطابق قانون به مرکز آمار ایران محول شده است. محاسبه ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، محاسبه محصول ناخالص داخلی از روش هزینه از سال ۱۳۶۱ و نیز تهیه جدول داده - ستانده اقتصاد ایران برای سال‌های ۱۳۵۲، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ از جمله مهم‌ترین اقدامات گذشته مرکز آمار ایران در تهیه حساب‌های ملی بوده است.

تاریخچه حساب‌های ملی در جهان به محاسباتی که برای اولین بار در اواخر قرن ۱۷ میلادی توسط ویلیام پتی^۲ انجام شد بازمی‌گردد. پس از وی گریگوری کینگ^۳ با تفصیل بیشتری درآمد ملی انگلستان را منتشر کرد. در سال ۱۷۵۸ فرانسوا کنه جدول اقتصادی معروف خود را عرضه کرد که گام مهمی در جهت ارائه تصویری کمی از عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی در قالب یک مدل تعادل عمومی محسوب می‌شود. در قرن حاضر می‌توان به کارهای وایلر در سوئیس در سال ۱۹۲۷ و سایمون کوزنتز در آمریکا در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ اشاره کرد. واسیلی لئونتیف با انتشار کتاب ساختار اقتصاد آمریکا (۱۹۱۹-۱۹۲۹) در سال ۱۹۴۱ تکنیک داده - ستانده را معرفی کرد که از آن جهت که تصویر کمی اقتصاد را در قالب مدل تعادل عمومی عرضه می‌کند با جدول فرانسوا کنه قابل مقایسه است. در سال ۱۹۴۴ کار معروف جیمز مید و ریچارد استون تحت عنوان درآمد و هزینه ملی منتشر شد که می‌توان آن را سنگ اصلی بنای سیستم حساب‌های ملی محسوب کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد با دعوت از کارشناسان آماری کشورهای مختلف نظام جامع حسابداری ملی سال ۱۹۵۳ را تدوین کرد. این سیستم در سال ۱۹۶۸ مورد تجدیدنظر کلی قرار گرفت به نحوی که متن تجدیدنظر شده آن تا قبل از ارائه سیستم سال ۱۹۹۳ به عنوان دستورالعمل مورد استفاده کشورهای مختلف بود. در سال ۱۹۷۵ با تصویب کمیسیون اقتصادی و

۱. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به سایت‌های:

- <http://www.die.gov.tr/Turkish/Sozluk/milhesi.htm>

- [http://www.abs-gov.au/Australian national accovnts: concepts, Sources and methods.](http://www.abs-gov.au/Australian%20national%20accovnts%20concepts,%20Sources%20and%20methods.)

2. Wiliam Petty

3. Gregory King



اجتماعی سازمان ملل تحقیقات مفصلی در زمینه حساب‌های ملی خصوصاً تلفیق سیستم مذکور با سایر سیستم‌های آمارهای اقتصادی صورت گرفت که سرانجام منجر به تدوین نظام جدید شد. که در بخش بعدی درباره سیستم حساب‌های ملی SNA93 توضیحات بیشتری ارائه می‌شود.

۴. سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳

سیستم بین‌المللی حساب‌های ملی ۱۹۹۳ (SNA1993)^۱ تحت حمایت گروه کاری دبیرخانه حساب‌های مالی تهیه و تدوین شده است. این گروه کاری شامل اداره آمار جوامع اروپایی (Eurostat)^۲، صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۳، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۴ بخش آمار (Unstat) و کمیسیون منطقه‌ای دبیرخانه سازمان ملل متحد و بانک جهانی^۵ است.

پذیرش SNA93 به اجماع به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (Unesco)^۶ از طریق اعضای کمیسیون آماری مذکور و در ۲۷ فصل مورد توصیه قرار گرفت.^۷ کشور کانادا در نوامبر ۱۹۹۷، استرالیا و انگلستان در پاییز ۱۹۹۸ و سایر اعضای کشورهای اتحادیه اروپا در اولین فصل ۱۹۹۹، سیستم حساب‌های ملی جدید را اجرا کردند.

SNA93، یک واحد نهادی را به‌عنوان یک نهاد اقتصادی که مستعد باشد، در نظر می‌گیرد. واحدهای نهادی مقیم^۸ که کل اقتصاد را تشکیل می‌دهند در قالب ۵ بخش دو طرفه ذیل گروه‌بندی می‌شوند: (طبقه‌بندی بخش‌های نهادی)

۱. بخش بنگاه‌های غیرمالی (شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌ها)،

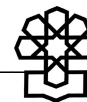
۲. بخش بنگاه‌های مالی (بانک مرکزی، سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، سایر واسطه‌گری‌های مالی و شرکت‌های بیمه)،

۳. بخش عمومی دولتی (دولت مرکزی، دولت ایالتی یا استانی، دولت محلی یا شهرداری‌ها و سازمان‌های مجری برنامه تأمین اجتماعی)،

۴. بخش نهادهای غیرانتفاعی در خدمت خانوار (NPISHS)^۹،

۵. بخش خانوار.

1. International system of National accounts 1993.
2. Statistical office of the European communities
3. International monetary Fund
4. Organization of Economic cooperation and development
5. World Bank
6. United Nations Economic and social council
7. Minhas, B.S, National Income accounts and data Systems, "selected Problems in the implementation of the International system of National accounts 1993 by Kishorila", 2002. P245.
8. Resident Institutional units
9. Non market non profit government units



۴-۱. بخش دولت در SNA1993

در سیستم حساب‌های ملی ۹۳، (پاراگراف ۱۱۳-۴) بخش دولت شامل گروه واحدهای نهادی مقیم ذیل می‌شود:

۱. تمام واحدهای مرکزی، استانی یا محلی دولتی،
۲. تمام صندوق‌های تأمین اجتماعی در هر سطحی از دولت،
۳. نهادهای غیرانتفاعی غیربازاری^۱ که به واسطه دولت کنترل و تأمین مالی می‌شوند.

۴-۲. بخش خانوار

در SNA93، تمام خانوارهای مقیم شامل می‌شود. مطابق با تعریف واحدهای نهادی، خانوارها شامل کسب و کارهای غیرمتشکل (خانگی) که از آن خانوار است می‌گردد به‌گونه‌ای که تولیدکنندگان بازار یا تولید برای استفاده نهایی خود باشد.

۴-۳. محاسبه تولید در بخش‌های نهادی

سیستم SNA93 از SNA1968 متفاوت است به این صورت که در سیستم‌های گذشته عمدتاً مبتنی بر تهیه حساب‌های رشته فعالیت‌ها بوده است در حالی که در سیستم جدید حساب‌های ملی، حساب‌های بخش‌های نهادی بیشتر گسترش داده شده است و تهیه و تنظیم آنها همراه با حساب‌های رشته فعالیت‌ها پیش‌بینی شده است. اضافه کردن ابعاد بخش‌های نهادی در تقسیم حساب‌های ملی موجب شده است که داده‌های حاصل از حساب‌های ملی به‌طور وسیع‌تری در تحلیل سیاست‌گذاری‌های دولت مورد استفاده قرار گیرد، زیرا داده‌های مربوط به بخش‌های نهادی امکان اندازه‌گیری اثرات رفتار یک بخش اقتصادی بر روی بخش‌های دیگر را فراهم می‌کند.

۴-۴. کرانه تولید در سیستم^۲

تعیین مرز ارزش‌گذاری تولید برای اهداف، یک موضوع مهم است. به بیان دیگر حساب‌های در نظر گرفته شده در سیستم به دو دسته قابل تقسیم‌اند:

۱. حساب‌های اقتصادی پیش‌بینی شده در چارچوب مرکزی سیستم،
۲. حساب‌های اقتصادی پیش‌بینی شده در خارج از چارچوب مرکزی سیستم.

1. Non profit institutions serving Housholds
2. Minhas, 2002, P.251.



خارج چارچوب مرکزی

- جدول داده - ستانده
- جداول مبادلات مالی و دارایی‌ها و بدهی‌های مالی
- حساب‌های کامل ترانزنامه‌ها
- حساب‌های مربوط به تحلیل‌های وظیفه‌ای
- جداول جمعیت و نیروی کار
- ماتریس حسابداری اجتماعی
- حساب‌های اقماری نظیر محیط زیست

چارچوب مرکزی سیستم

- حساب‌های انباشت
- ترانزنامه
- حساب کالاها و خدمات
- حساب‌های دنیای خارج

کرانه تولید در سیستم حساب‌های ملی محدودتر از کرانه کلی آن است. به دلایلی آن دسته از فعالیت‌های انجام شده توسط خانوار که خدمات شخصی خانگی برای مصرف نهایی خود تولید می‌کنند در سیستم حساب‌های ملی، تولید محسوب نمی‌شوند. این فعالیت‌ها وقتی در محدوده تولید قرار می‌گیرند که توسط کارکنان استخدام شده در خانوار انجام گرفته باشند. در سایر موارد محدوده تولید در سیستم حساب‌های ملی همان محدوده کلی در اقتصاد است. بنابراین فعالیت‌هایی که در محدوده تولید تعیین شده در سیستم قرار می‌گیرند به شرح زیر هستند:

الف) تولید کلیه کالا و خدمات فردی و جمعی که به واحدهای دیگر غیر از تولیدکنندگان آنها عرضه می‌شود یا قصد بر این است که به واحدهای دیگر عرضه شود. تولید کالاها و خدمات مصرف شده در فرایند تولید این کالاها و خدمات نیز محسوب می‌شود.

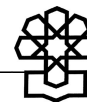
ب) تولید به حساب خود کلیه کالاهایی که برای مصرف نهایی یا تشکیل سرمایه تولیدکنندگان آنها عرضه می‌شود یا قصد بر این است که به واحدهای دیگر عرضه شود.

ج) تولید - حساب خود خدمات واحدهای مسکونی توسط مالکین واحدهای مسکونی شخصی و همچنین خدمات شخصی و خانگی تولید شده توسط کارکنان استخدام شده در خانوار.

۴-۵. نحوه انجام طبقه‌بندی‌ها در سیستم جدید حساب‌های ملی^۱

در سیستم جدید حساب‌های ملی علاوه بر ارائه تفکیک جدید برای حساب‌های مختلف اقتصادی، طبقه‌بندی جدیدی نیز برای بخش‌های نهادی، فعالیت‌ها، کالاها و خدمات و هزینه (مصرف) پیشنهاد شده است که ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، صص ۶-۱۲.



۴-۶. طبقه‌بندی حساب‌ها

در سیستم جدید حساب‌های ملی حساب‌ها به سه دسته حساب‌های جاری^۱، حساب‌های انباشت^۲ و ترازنامه‌ها^۳ تقسیم می‌شوند. حساب‌های جاری شامل حساب تولید و حساب‌های توزیع و مصرف درآمد (شامل حساب ایجاد درآمد تا حساب مصرف درآمد) است. حساب‌های انباشت چهار حساب سرمایه، مالی، سایر تغییرات در مقدار دارایی‌ها و تجدید ارزیابی را دربرمی‌گیرد. ترازنامه‌ها نیز مشتمل بر تراز افتتاحیه و تراز اختتامیه است. تفصیل طبقه‌بندی و ترتیب حساب‌ها در نظام جدید حساب‌های ملی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

الف) حساب تولید: نمایانگر میزان تولید کالاها و خدمات، به‌عنوان منابع حساب و مصارف واسطه به‌عنوان مصارف حساب بوده که با کسر مصارف از منابع، قلم ترازکننده حساب که «ارزش افزوده» نامیده می‌شود به ستون منابع حساب بعدی منتقل می‌شود. حساب تولید اولین حساب در توالی حساب‌هایی است که در سیستم جدید حساب‌های ملی برای فعالیت‌های اقتصادی، واحدهای نهادی و کل اقتصاد تهیه می‌شود. عناصر اصلی حساب تولید عبارتند از ستانده که تحت عنوان منابع در سمت راست حساب منعکس می‌شود. ستانده می‌تواند به اقلام ریزتری مانند ستانده بازاری و غیربازاری و ستانده به‌صورت خود - مصرفی تفکیک شود. عنصر دیگر داده است که ذیل عنوان مصارف در سمت چپ حساب نشان داده می‌شود و شامل مصارف واسطه و مصرف سرمایه ثابت است. قلم ترازکننده در حساب تولید ارزش افزوده است که همان اضافه ارزشی است که در جریان تولید ایجاد می‌شود. ارزش افزوده ممکن است به‌صورت ناخالص (قبل از کسر مصرف سرمایه ثابت) یا به‌صورت خالص (پس از کسر مصرف سرمایه ثابت) گزارش شود.

ب) حساب توزیع اولیه درآمد: در توالی حساب‌ها در نظام جدید حساب‌های ملی پس از حساب تولید «حساب توزیع اولیه درآمد»^۴ آمده است. هدف کلی از این حساب نشان دادن چگونگی توزیع درآمد اولیه بین واحدها و بخش‌های نهادی است. درآمد اولیه درآمدی است که در نتیجه فعالیت تولیدی واحدها و مالکیت دارایی‌های دخیل در فرایند تولید ایجاد می‌شود. این حساب خود مشتمل بر دو حساب ایجاد درآمد و تخصیص درآمد اولیه است.

ج) حساب ایجاد درآمد: حساب ایجاد درآمد^۵ در واقع نمایانگر این است که درآمد اولیه توسط چه نهادهایی ایجاد شده است. این حساب را می‌توان دنباله طبیعی حساب تولید محسوب کرد که در آن

-
1. Current accounts
 2. Accumulation accounts
 3. Balance sheets
 4. Primary distribution of income account
 5. Generation of income account



درآمد اولیه ایجاد شده توسط واحدهای دخیل در فرایند تولید ثبت می‌شود. در طرف منابع این حساب، رقم انتقال یافته از حساب تولید یا ارزش افزوده ثبت می‌شود و در طرف مصارف آن، جبران خدمات پرداختی به کارکنان و اقلام مربوط به مالیات‌ها و یارانه‌های به تولید منعکس می‌شود. مابه‌التفاوت این دو طرف مازاد عملیاتی و درآمد مختلط است که به‌عنوان قلم ترانزکننده ظاهر شده و به حساب بعدی منتقل می‌شود.

د) **حساب تخصیص درآمد اولیه:** حساب تخصیص درآمد اولیه^۱ نحوه و چگونگی تخصیص درآمد ایجاد شده در حساب قبلی (ایجاد درآمد) را بین واحدهای نهادی منعکس می‌کند. به‌عبارت دیگر در این حساب نشان داده می‌شود که درآمد اولیه در قالب جبران خدمات، مالیات‌ها و یارانه‌ها و نیز درآمد دارایی‌ها بین چه واحدهای نهادی و چگونه توزیع شده است و به همین سبب SN03 این دو حساب را تحت عنوان واحد حساب توزیع اولیه درآمد طبقه‌بندی کرده است. تفاوت اصلی حساب تخصیص درآمد اولیه و توالی‌های بعدی آن، با حساب تولید و ایجاد درآمد در آن است که حساب‌های اخیرالذکر علاوه بر طبقه‌بندی در قالب طبقه‌بندی فعالیتی نیز قابل ارائه هستند، در صورتی که حساب‌های دیگر تنها به‌صورت نهادی تهیه می‌شوند.

در ستون منابع این حساب مازاد عملیات و درآمد مختلط، دریافت‌های نهادها بابت جبران خدمات، خالص مالیات بر محصول و واردات و درآمد بر دارایی‌ها و در ستون مصارف آن پرداختی‌های نهادها بابت استفاده از دارایی‌های سایر نهادها ثبت می‌شود و اختلاف دو ستون منابع و مصارف، تراز درآمد اولیه یا درآمد ملی است که به‌عنوان رقم ترانزکننده به حساب بعدی منتقل می‌شود.

هـ) **حساب توزیع ثانویه درآمد:** حساب توزیع ثانویه درآمد^۲ انتقالات جاری نقدی بین نهادهای موجود در اقتصاد (شامل دنیای خارج) را ثبت می‌کند و قلم ترانزکننده آن «درآمد قابل تصرف»^۳ است. به‌عبارت دیگر با علاوه کردن خالص انواع انتقالات جاری^۴ نقدی به درآمد اولیه بخش‌های نهادی یا درآمد ملی کل اقتصاد، درآمد قابل تصرف بخش‌های نهادی و کل اقتصاد به دست می‌آید. انتقالات جاری نظیر مالیات بر درآمد و ثروت و نیز سهمیه‌های پرداختی و بهره‌مندی‌های حاصل از برنامه تأمین اجتماعی در صورتی که نقداً قابل پرداخت باشد در این حساب ثبت می‌شود.

و) **حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی:** حساب دیگری نیز تحت عنوان حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی^۵ که مربوط به دریافتی‌ها و پرداختی‌ها بابت انتقالات اجتماعی غیرنقدی است در این سیستم

1. Allocation of primary income account
2. Secondary distribution of income account
3. Disposable income
4. Current transfers
5. Redistribution of income in kind account



معرفی شده است. با مؤثر کردن انتقالات غیرنقدی، درآمد قابل تصرف تعدیل^۱ شده به دست می آید.

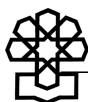
ز) **حساب مصرف درآمد:** هدف از تهیه حساب مصرف درآمد،^۲ نشان دادن چگونگی تخصیص درآمد قابل تصرف خانوارها، دولت و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار بین مصرف نهایی و پس انداز است. حساب مصرف درآمد را می توان به دو صورت تهیه کرد که هر یک از آنها با یک مفهوم از درآمد قابل تصرف متناظر است:

۱. حساب مصرف درآمد که هزینه های مصرفی نهایی کالاها و خدمات را ثبت می کند و براساس درآمد قابل تصرف (قلم ترازکننده حساب توزیع ثانویه درآمد) به دست می آید.
۲. حساب مصرف درآمد تعدیل شده که هزینه های مصرفی نهایی کالاها و خدمات واقعی^۳ را ثبت می کند و براساس درآمد قابل تصرف تعدیل شده (قلم ترازکننده حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی) حاصل می شود.

ح) **حساب سرمایه:** حساب سرمایه^۴ اولین حساب از حساب های چهارگانه ای است که تغییر در ارزش دارایی های واحدهای نهادی را منعکس می سازند. این حساب ارزش دارایی های غیرمالی مورد تقاضا در مبادلات واسطه توسط واحدهای نهادی مقیم و نیز تغییر در ارزش ویژه حاصل از پس انداز و انتقالات سرمایه ای را ثبت می کند. در طرف راست حساب سرمایه، منابع در دسترس برای انباشت دارایی ها شامل پس انداز (قلم ترازکننده حساب مصرف درآمد) و انتقالات سرمایه ای ثبت می شود. طرف چپ حساب سرمایه نیز ارزش دارایی های غیرمالی به دست آمده یا مصرف شده را ثبت می کند. این دارایی ها ممکن است خریداری شده یا به فروش رفته یا در نتیجه انتقالات سرمایه ای غیرنقدی یا مبادله پایاپای کسب شده یا واگذار شده باشند. علاوه بر آن در این قسمت تشکیل سرمایه به حساب خود نیز به ثبت می رسد. در این حساب پس انداز و خالص انتقالات سرمایه دریافتنی به عنوان منابع و تشکیل سرمایه ثابت، خالص تحصیل اشیای قیمتی و تغییر در موجودی انبار به عنوان مصارف منعکس می شود. مابه التفاوت نیز به عنوان خالص وام دهی/ وام گیری^۵ که همان قلم تراز کننده حساب محسوب می شود، به دست می آید.

ط) **حساب مالی:** حساب مالی دومین حساب از حساب های انباشت بوده که در آن مبادلات انواع دارایی ها و بدهی های مالی بین واحدهای نهادی و بین واحدهای نهادی داخلی و دنیای خارج ثبت می شود. طرف چپ این حساب خالص تغییر در دارایی های مالی و طرف راست نیز خالص تغییر در بدهی های مالی منعکس می شود. قدر مطلق خالص تغییر در بدهی های مالی منهای خالص تغییر در

1. Adjusted disposable income
2. Use of income account
3. Actual final consumption expenditure
4. Capital account
5. Net lending/ borrowing



دارایی‌های مالی برابر با خالص وام‌دهی / وام‌گیری با علامت مخالف است. در SN93 دارایی‌های مالی هفت مقوله زیر را شامل می‌شود:

۱. طلای پولی و حق برداشت مخصوص،
۲. پول در گردش و سپرده‌ها،
۳. اوراق بهادار بجز سهام،
۴. وام‌ها،
۵. سهام،
۶. ذخایر فنی بیمه،
۷. سایر حساب‌های دریافتنی / پرداختنی.

آنچه به‌عنوان خالص وام‌گیری / وام‌دهی از حساب سرمایه به‌دست می‌آید در واقع مابه‌التفاوت مصارف و منابع مالی مثل ارز و سپرده‌ها، اوراق قرضه، سهام و سایر اوراق بهادار، وام‌ها و نظایر آن است که در حساب مالی منعکس می‌شود.

ی) سایر حساب‌ها: علاوه بر حساب‌های یاد شده، حساب‌های دیگری از جمله حساب سایر تغییرات در دارایی‌ها^۱ و حساب‌های ترانزنامه نیز وجود دارند. حساب سایر تغییرات در دارایی‌ها خود شامل حساب سایر تغییرات در مقدار دارایی‌ها^۲ و حساب تجدید ارزیابی^۳ است که سایر عواملی را که بر مقدار یا تقویم ارزشی دارایی‌ها و بدهی‌های بخش‌های نهادی و اقتصاد ملی اثر می‌گذارند را مورد ملاحظه و برآورد قرار می‌دهد تا در نهایت بتوان تصویر واقع‌بینانه‌تری از کلیه تغییرات در فاصله ترانز افتتاحیه و ترانز اختتامیه ارائه کرد. مثلاً حساب تجدید ارزیابی در اقتصادهایی که به‌نحوی با تورم یا تغییر در قیمت‌های نسبی روبه‌رو هستند دارای اهمیت است. در این حساب منفعت یا زیان حاصل از نگهداری دارایی‌ها^۴ برآورد می‌شود که انعکاس آن را در حساب تغییرات در ترانزنامه و در نتیجه در ترانز اختتامیه می‌توان دید.

ک) حساب کالاها و خدمات: حساب کالاها و خدمات^۵ در واقع نشان‌دهنده کل منابع (ستانده کل و واردات) و کل مصارف کالاها و خدمات (مصارف واسطه، مصرف نهایی، تشکیل سرمایه و صادرات) است. همچنین خالص مالیات بر محصول نیز در طرف منابع حساب کالاها و خدمات منعکس می‌شود که میزان آن بسته به نحوه ارزش‌گذاری ارقام ستانده‌ها متفاوت است. خصیصه مهم حساب کالاها و خدمات این است که یک ترانز کلی را در مجموع اقتصاد بین کل منابع و کل مصارف برقرار می‌سازد.

1. Other changes in assets account
2. Other changes in the volume of assets account
3. Revaluating account
4. Holding gain/ losses
5. Goods and services account



۵. اجزای حساب‌های ملی^۱

در ذیل درباره هر یک از اجزای شامل در حساب‌های ملی به‌طور اختصار مطالبی ارائه می‌شود.

۱-۵. حساب تولید

حساب تولید اولین حساب در توالی حساب‌هایی است که در سیستم جدید حساب‌های ملی برای فعالیت‌های اقتصادی، واحدهای نهادی و کل اقتصاد تدوین می‌شود. عناصر اساسی حساب تولید عبارتند از ستانده که تحت عنوان منابع در سمت راست حساب منعکس می‌شود. ستانده می‌تواند به اقلام ریزتری مثل ستانده‌های بازاری و غیربازاری و ستانده به‌صورت خود مصرفی نهایی تقسیم شود. عنصر دیگر داده است که ذیل عنوان مصارف و در سمت چپ حساب نشان داده می‌شود و شامل مصارف واسطه و مصرف سرمایه ثابت است. قلم ترازکننده در حساب تولید ارزش افزوده است که در واقع ارزش اضافی است که در جریان تولید ایجاد می‌شود. ارزش افزوده ممکن است به‌صورت ناخالص (قبل از کسر مصرف سرمایه ثابت) یا به‌صورت خالص (پس از کسر مصرف سرمایه ثابت) باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان فعالیت‌هایی را که در نظام حساب‌های ملی در محدوده تولید قرار می‌گیرند در چهار گروه طبقه‌بندی کرد:^۲

الف) تولید تمام کالاها یا خدمات فردی یا جمعی که به واحدهای دیگری (بجز تولیدکنندگان آنها) عرضه شده یا خواهند شد. این گروه همچنین شامل کالاها یا خدماتی می‌شود که در فرایند تولید چنین کالاها یا خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

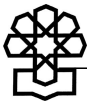
ب) تولید به حساب خود تمام کالاهایی که تولیدکنندگان به‌منظور استفاده نهایی یا تشکیل سرمایه خود نگهداری می‌نمایند.

ج) خدمات واحدهای مسکونی برای مالکان آنها که به‌عنوان تولید به حساب خود منظور می‌شود و نیز خدمات شخصی و خانگی تولید شده از طریق استخدام نیروی کار خانگی مزدبگیر.

د) تولید (یا فعالیت‌های) غیرقانونی و نیز تولید پنهان (در اقتصاد زیرزمینی) از جمله مواردی هستند که در محدوده تولید منظور می‌شوند. به‌طور خلاصه، تولید کالاها یا خدماتی که فروش، توزیع یا مالکیت آنها طبق قانون ممنوع است و نیز فعالیت‌های تولیدی قانونی که توسط تولیدکنندگان فاقد مجوز مانند وکلا یا پزشکان غیرمجاز انجام می‌شوند در محدوده تولیدات غیرقانونی منظور می‌شود. تولید پنهان اشاره به فعالیت‌هایی می‌کند که از نظر اقتصادی تولیدی بوده و کاملاً نیز قانونی هستند اما به دلایلی همچون فرار از پرداخت مالیات، اجتناب از پرداخت

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، صص ۲۰-۲۹.

۲. قدیمی‌نیا، ناصر، «حساب تولید در نظام حساب‌های ملی ۱۹۹۳»، فصلنامه حساب‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال دوم، شماره ۲، خرداد ۱۳۸۶.



سهمیهای تأمین اجتماعی، اجتناب از رعایت برخی فرایندهای الزامی اداری، خودداری از فراهم ساختن برخی استانداردهای قانونی معین مانند حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کاری، استانداردهای ایمنی و بهداشتی و نظایر آن، به طور اختیاری از مقامات دولتی پنهان نگاه داشته می شود.

۲-۵. حساب ایجاد درآمد^۱

در توالی حسابها در نظام جدید حسابهای ملی، بعد از حساب تولید، حساب توزیع اولیه درآمد قرار دارد. حساب توزیع اولیه درآمد خود مشتمل بر دو حساب «ایجاد درآمد» و «تخصیص درآمد اولیه» است. حساب ایجاد درآمد در واقع نمایانگر این است که درآمدهای اولیه توسط چه نهادهایی ایجاد شده، درحالی که حساب تخصیص درآمد نشان می دهد که این درآمدها توسط چه نهادهایی دریافت شده است. هدف کلی در حساب توزیع اولیه درآمد نشان دادن چگونگی توزیع درآمد اولیه بین واحدها و بخشهای نهادی است. «درآمد اولیه» درآمدی است که در نتیجه فعالیت تولیدی واحدها و مالکیت داراییهای دخیل در فرایند تولید ایجاد می شود.

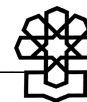
حساب «ایجاد درآمد» را می توان دنباله حساب تولید محسوب کرد که در آن درآمدهای اولیه ایجاد شده توسط واحدهای دخیل در فرایند تولید ثبت می شود. در طرف منابع حساب ایجاد درآمد، رقم انتقال یافته از حساب تولید یعنی ارزش افزوده ثبت می شود و در طرف مصارف جبران خدمات کارکنان و اقلام مربوط به مالیاتها و یارانهها منعکس می شود و مابهالتفاوت به عنوان مازاد عملیاتی و درآمد مختلط به حساب بعدی یعنی حساب تخصیص درآمد اولیه منتقل می شود.

۳-۵. حساب تخصیص درآمد اولیه^۲

حساب تخصیص درآمد اولیه، چنانکه از نامش پیداست به نحوه و چگونگی تخصیص درآمد ایجاد شده در حساب ایجاد درآمد، که به آن درآمد اولیه گویند، می پردازد. به عبارت دیگر در این حساب می خواهیم درآمد ایجاد شده را در قالب جبران خدمات، مالیاتها و یارانهها و همچنین درآمدهای مربوط به داراییها، بین نهادهای موجود در اقتصاد توزیع کنیم. به همین جهت SNA93 حساب ایجاد درآمد و تخصیص درآمد اولیه را حساب توزیع اولیه درآمد می نامند. تفاوت اصلی حسابهای تخصیص درآمد اولیه و توالیهای بعدی آن با حساب تولید و ایجاد درآمد در این است که حسابهای تخصیص درآمد و پس از آن را تنها می توان در قالب بخشهای نهادی و نه فعالیتی طبقه بندی و ارائه کرد.

۱. بانک مرکزی، ۱۳۸۵، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳۹.



۴-۵. حساب توزیع ثانویه درآمد^۱

حساب توزیع ثانویه درآمد، انتقالات جاری نقدی بین نهادهای موجود در اقتصاد (شامل دنیای خارج) را ثبت می‌کند و قلم ترازکننده آن، «درآمد قابل تصرف» است. به عبارت دیگر با علاوه کردن انواع انتقالات جاری نقدی به درآمد اولیه نهادها یا درآمد ملی کل اقتصاد، به درآمد قابل تصرف می‌رسیم. انتقالات جاری نظیر مالیات بر درآمد و ثروت و نیز سهمیه‌های پرداختی و بهره‌مندی‌های حاصل از برنامه تأمین اجتماعی در صورتی که نقداً قابل پرداخت باشند، در این حساب ثبت می‌شوند. انتقالات اجتماعی غیرنقدی در حساب توزیع مجدد درآمد ثبت می‌شود که قلم ترازکننده آن درآمد قابل تصرف تعدیل شده است.

۵-۵. حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی^۲

قلم ترازکننده حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی،^۳ درآمد قابل تصرف تعدیل شده^۴ است که از علاوه کردن تنها قلمی که در حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی ثبت می‌شود، یعنی انتقالات اجتماعی غیرنقدی، به عنوان مصارف دولت یا مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار و منابع خانوارها به دست می‌آید. انتقالات اجتماعی غیرنقدی شامل کالاها و خدمات فردی است که از دولت عمومی و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار به خانوارها انتقال می‌یابد، چه در بازار خریداری شود یا ستانده غیربازاری دولت و مؤسسات غیرانتفاعی باشد. در صورتی که دولت اقدام به انتقال کالاها و خدمات کند، تأمین مالی آن می‌تواند از محل مالیات‌ها، سایر درآمدهای دولت یا سهمیه‌های تأمین اجتماعی انجام پذیرد و در صورتی که طرف انتقال‌دهنده مؤسسات غیرانتفاعی باشند، از اعانات و کمک‌ها تأمین مالی می‌شود.

بهره‌مندی‌های غیرنقدی از تأمین اجتماعی از دو طریق قابل ارائه به خانوارهاست. در روش اول، نخست خانوارها خود اقدام به خرید کالاها و خدمات می‌کنند و سپس مبالغ آن را از دولت یا سازمان تأمین اجتماعی دریافت می‌کنند. در روش دوم، خدمات و کالاهای مرتبط مستقیماً در اختیار خانوارها قرار می‌گیرد. از نظر سیاست‌گذاری اقتصادی، مزیت انتقالات اجتماعی غیرنقدی در این است که می‌توان با این نوع از انتقالات، تأمین نیازهای مشخص نظیر بهداشت و آموزش را هدف‌گذاری کرد. اما باید به خاطر داشت که این مزیت به بهای محدود ساختن یا حذف قدرت انتخاب مصرف‌کننده حاصل می‌شود.

۱. همان، ص ۵۳.

۲. بانک مرکزی، ۱۳۸۵، ص ۶۱.

3. Redistribution of income in kind account

4. Adjusted disposable income



۵-۶. حساب مصرف درآمد^۱

هدف از تهیه حساب مصرف درآمد، نشان دادن چگونگی تخصیص درآمد قابل تصرف توسط خانوارها، دولت و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار بین مصرف نهایی و پس‌انداز است. حساب مصرف درآمد را می‌توان به دو گونه تهیه کرد که هر یک از آنها با یک مفهوم از درآمد قابل تصرف متناظر است:

۱. حساب مصرف درآمد که هزینه‌های مصرفی نهایی کالاها و خدمات را ثبت می‌کند و براساس درآمد قابل تصرف حاصل از حساب توزیع ثانویه درآمد به‌دست می‌آید.
۲. حساب مصرف درآمد تعدیل شده که هزینه‌های مصرفی نهایی کالاها و خدمات واقعی را ثبت می‌کند و براساس درآمد قابل تصرف تعدیل شده از حساب توزیع مجدد درآمد غیرنقدی به‌دست می‌آید. در حساب مصرف درآمد نوع اول، با کم کردن هزینه‌های مصرف نهایی از درآمد قابل تصرف، قلم ترازکننده حساب که همان پس‌انداز است به‌دست می‌آید. در حساب مصرف درآمد نوع دوم، با کم کردن هزینه‌های مصرف نهایی واقعی از درآمد قابل تصرف تعدیل شده، پس‌انداز محاسبه می‌شود. دو نوع حساب مصرف درآمد فوق حساب‌های متوالی نبوده بلکه باید آنها را موازی با یکدیگر محسوب کرد. شرکت‌های مالی و غیرمالی، اگرچه می‌توانند کالاها و خدمات مشابه خانوارها یا دولت را مصرف کنند، اما این نوع هزینه‌ها را باید هزینه‌های مصرف واسطه آنها محسوب کرد. در نتیجه شرکت‌ها فاقد هزینه‌های مصرف نهایی بوده و در ستون مصارف و منابع آنها از این بابت ثبتی انجام نخواهد شد. علاوه بر آن، شرکت‌ها هیچ‌گونه انتقالات غیرنقدی به کارکنان خود (خانوارها) نداشته و در نتیجه تفاوتی بین درآمد قابل تصرف و درآمد قابل تصرف تعدیل شده آنها وجود ندارد.

۵-۷. حساب سرمایه و حساب مالی: مدخلی بر حساب‌های انباشت^۲

ترازنامه‌ها وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های واحدها و بخش‌های نهادی را در مقطعی از زمان نشان می‌دهند. به عبارت دیگر این حساب‌ها، ارزش موجودی دارایی‌ها و بدهی‌ها را در آغاز و پایان دوره حسابداری منعکس می‌سازند. ارزش کل دارایی‌های واحدها یا بخش‌های نهادی پس از کسر بدهی‌ها، ارزش ویژه آنها را به‌دست می‌دهد. حساب‌های انباشت، تغییر در ارزش دارایی‌ها، بدهی‌ها و ارزش ویژه واحدها و بخش‌های نهادی را در طول یک دوره حسابداری منعکس می‌سازند. به بیان دیگر، حساب‌های انباشت حساب‌های جریانی یا روانه هستند که از جمع جبری ارقام آنها با تراز افتتاحیه (ترازنامه در اول دوره مالی)، تراز اختتامیه (ترازنامه در پایان دوره مالی) به‌دست می‌آید.

۱. همان، ص ۶۶.

۲. همان، ص ۷۴.



الف) حساب سرمایه^۱

حساب سرمایه اولین حساب از حساب‌های چهارگانه‌ای است که تغییر در ارزش دارایی‌های واحدهای نهادی را منعکس می‌سازند. این حساب ارزش دارایی‌های غیرمالی مورد تقاضا در مبادلات توسط واحدهای نهادی مقیم و نیز تغییر در ارزش ویژه حاصل از پس‌انداز و انتقالات سرمایه‌ای را ثبت می‌کند. در طرف راست حساب سرمایه، منابع در دسترس برای انباشت دارایی‌ها شامل پس‌انداز (قلم ترازکننده حساب مصرف درآمد) و انتقالات سرمایه‌ای ثبت می‌شود. طرف چپ حساب سرمایه نیز ارزش دارایی‌های غیرمالی به‌دست آمده یا مصرف شده را ثبت می‌کند. این دارایی‌ها ممکن است خریداری شده یا به فروش رفته باشد یا در نتیجه انتقالات سرمایه‌ای غیرنقدی یا مبادله پایاپای کسب شده یا واگذار شده باشد. علاوه بر آن در این قسمت تشکیل سرمایه به حساب خود نیز به ثبت می‌رسد.

در مجموع پنج‌گونه تغییر در دارایی‌ها در طرف چپ حساب سرمایه منعکس می‌شود:

۱. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص،

۲. مصرف سرمایه ثابت،

۳. تغییر در موجودی انبار،

۴. خالص تحصیل اشیای قیمتی،

۵. خالص تحصیل دارایی‌های تولید نشده غیرمالی.

یادآوری این نکته ضروری است که وقتی از تشکیل سرمایه ناخالص سخن گفته می‌شود منظور قلمی است که شامل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تغییر در موجودی انبار و خالص تحصیل اشیای قیمتی می‌شود.

ب) حساب مالی^۲

در حساب مالی، مبادلات انواع دارایی‌ها و بدهی‌های مالی بین واحدهای نهادی و بین واحدهای نهادی و دنیای خارج ثبت می‌شود. در طرف چپ این حساب خالص تغییر در دارایی‌های مالی و در طرف راست نیز خالص تغییر در بدهی‌های مالی منعکس می‌شود. قدر مطلق خالص تغییر در بدهی‌های مالی منهای خالص تغییر در دارایی‌های مالی برابر با خالص وام‌دهی/ وام‌گیری با علامت مخالف است. در SNA93 دارایی‌های مالی هفت مقوله زیر را شامل می‌شود:

۱. طلای پولی و حق برداشت مخصوص،

۲. پول در گردش و سپرده‌ها،

۱. همان، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۸۸.



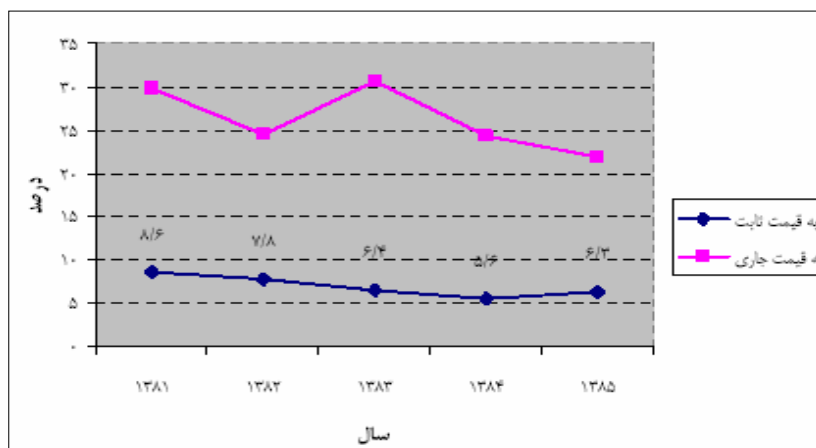
۳. اوراق بهادار به جز سهام،
۴. وام‌ها،
۵. سهام،
۶. ذخایر فنی بیمه،
۷. سایر حساب‌های دریافتنی/پرداختنی.

۶. خلاصه گزارش آمار حساب‌های ملی منتهی به سال ۱۳۸۵

درصد تغییرات محصول ناخالص داخلی (GDP)

نمودار ۱ درصد تغییرات GDP را طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵ به قیمت‌های جاری و ثابت نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار نیز نشان داده شده است، رشد اقتصادی کشور که از سال ۱۳۸۱ سیر نزولی داشته است در سال ۱۳۸۵ افزایش داشته و معادل $6/3$ درصد است در حالی‌که در سال ۱۳۸۴ رشد اقتصادی معادل $5/6$ درصد بوده است.

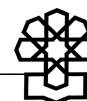
نمودار ۱. درصد تغییرات GDP در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵



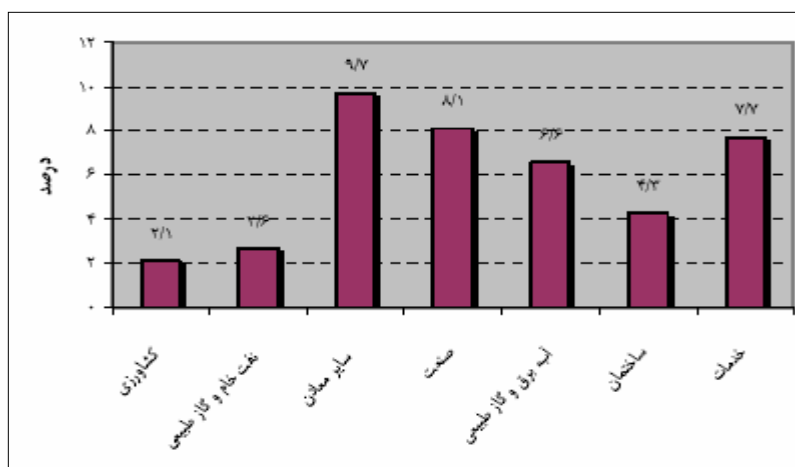
ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی

براساس نتایج آمارهای حساب‌های ملی در سال ۱۳۸۵ بیشترین رشد ارزش افزوده در بخش معدن (غیر از نفت) به میزان $9/7$ بوده است و بعد از معدن بخش صنعت بیشترین رشد را (معادل $8/1$ درصد) داشته است. رشد ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در سال ۱۳۸۵ در نمودار ۲ نشان داده شده است.

۱. لازم به ذکر است که آخرین آمار در دسترس سالیانه مربوط به سال ۱۳۸۵ بوده است. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به آدرس:
<http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/naac/nationalyear>



نمودار ۲. نرخ رشد ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در سال ۱۳۸۵



ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی و درصد تغییرات آن به قیمت‌های جاری و ثابت در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵

به قیمت‌های جاری - به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال - درصد)

شرح فعالیت	۱۳۸۴		۱۳۸۵		درصد تغییرات
	ثابت	جاری	ثابت	جاری	
کشاورزی، دامداری، جنگلداری، شکار و ماهیگیری	۵۷,۴۶۳	۱۶۹,۹۳۲	۵۸,۵۴۷	۲۰۷,۹۰۱	۲/۱
نفت خام و گاز طبیعی	۳۶,۲۶۲	۴۱۸,۵۰۷	۳۷,۲۲۱	۴۹۱,۸۹۷	۲/۶
سایر معادن	۳,۱۱۸	۱۳,۳۳۳	۳,۴۲۰	۱۹,۶۱۰	۹/۷
صنعت	۹۱,۷۴۳	۲۴۱,۱۴۲	۹۹,۱۹۳	۲۹۷,۰۴۵	۸/۱
آب، برق و گاز طبیعی	۷,۴۲۹	۴۲,۲۷۷	۷,۹۱۶	۵۲,۲۴۶	۶/۶
ساخت‌وساز	۲۳,۲۹۸	۸۸,۰۳۵	۲۴,۲۹۵	۱۰۷,۸۳۵	۴/۳
خدمات	۲۶۰,۰۷۳	۹۴۴,۰۰۵	۲۷۹,۹۹۱	۱,۱۶۴,۷۵۱	۷/۷
جمع ارزش افزوده رشته فعالیت‌ها (به قیمت تولیدکننده)	۴۷۹,۲۸۶	۱,۹۱۷,۲۳۲	۵۱۰,۵۸۴	۲,۳۴۱,۲۸۶	۶/۵
محصول ناخالص داخلی	۴۸۲,۱۰۱	۱,۹۲۴,۶۸۸	۵۱۲,۵۵۸	۲,۳۴۷,۱۴۹	۶/۳

مأخذ: پرتال مرکز آمار ایران، لایه مربوط به حساب‌های ملی ایران.

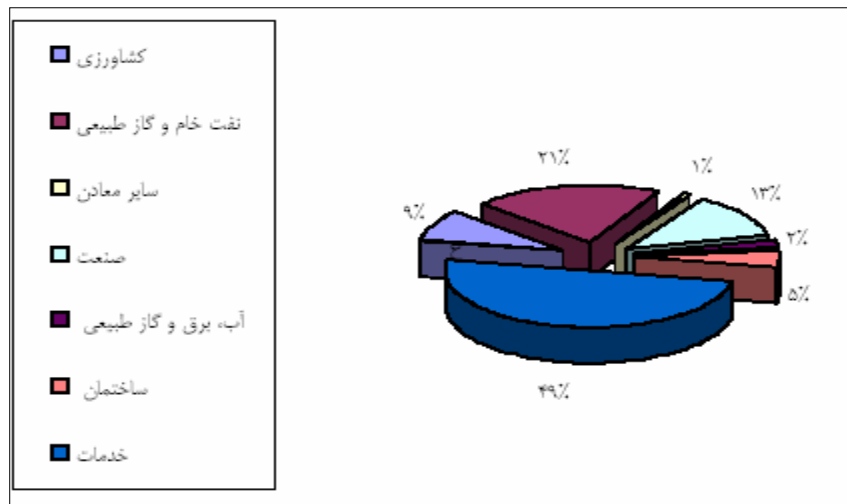
۶-۱. سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی

بیشترین سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۵ متعلق به بخش خدمات است که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را دربرمی‌گیرد. سهم ارزش افزوده بخش خدمات در



محصول ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری در سال ۱۳۸۵ معادل ۴۹/۶ درصد بوده است. به عبارت دیگر، حدود نیمی از سهم GDP متعلق به بخش خدمات است. سهم ارزش افزوده بخش‌های مختلف در جدول ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۳. سهم ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در GDP در سال ۱۳۸۵



جدول ۲. سهم ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در محصول ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵ (درصد) به قیمت‌های جاری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶

سهم در محصول ناخالص داخلی ۱۳۸۵		سهم در محصول ناخالص داخلی ۱۳۸۴		شرح فعالیت
ثابت	جاری	ثابت	جاری	
۱۱/۴	۸/۹	۱۱/۹	۸/۸	کشاورزی، شکار، جنگلداری و ماهیگیری
۷/۳	۲۱/۰	۷/۵	۲۱/۷	نفت خام و گاز طبیعی
۰/۷	۰/۸	۰/۶	۰/۷	سایر معادن
۱۹/۴	۱۲/۷	۱۹/۰	۱۲/۵	صنعت
۱/۵	۲/۲	۱/۵	۲/۲	تأمین آب، برق و گاز طبیعی
۴/۷	۴/۶	۴/۸	۴/۶	ساختمان
۵۴/۶	۴۹/۶	۵۳/۹	۴۹/۰	خدمات
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	محصول ناخالص داخلی

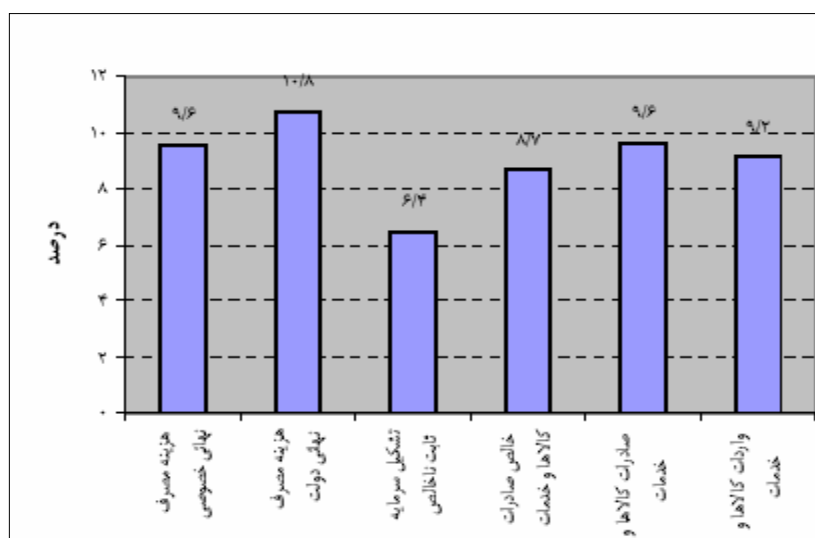
مأخذ: پرتال مرکز آمار ایران، لایه مربوط به بخش حساب‌های ملی ایران.



۶-۲. رشد اجزای هزینه تشکیل دهنده GDP

در سال ۱۳۸۵ بیشترین رشد در طرف هزینه، مربوط به مصرف نهایی دولت (معادل ۱۰/۸ درصد) است. مصرف نهایی خانوار دارای رشدی معادل ۹/۶ درصد، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۶/۴ درصد و خالص صادرات و واردات ۸/۷ درصد است. رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ساختمان ۷/۵ درصد و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ماشین‌آلات ۶ درصد است. رشد اجزای هزینه در جدول ۳ نشان داده شده است.

نمودار ۴. رشد اجزای GDP از طرف هزینه در سال ۱۳۸۵



مأخذ: مرکز آمار ایران.

جدول ۳. محصول ناخالص داخلی به تفکیک اجزای هزینه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵

به قیمت‌های جاری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال - درصد)

درصد تغییرات	۱۳۸۵		۱۳۸۴		شرح
	ثابت	جاری	ثابت	جاری	
۹/۶	۲۲/۰	۳۴۷,۳۲۵	۳۱۷,۰۳۴	۹۳۷,۲۸۸	هزینه مصرف نهایی خصوصی
۱۰/۸	۲۱/۹	۶۵,۹۸۹	۵۹,۵۷۷	۲۵۱,۰۷۳	هزینه مصرف نهایی دولت
۶/۴	۱۳/۹	۱۵۹,۷۳۱	۱۵۰,۰۸۲	۴۸۶,۰۰۸	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۸/۷	۱۸/۳	-۱۰۱,۰۶۰	-۹۲,۹۹۱	۱۱۳,۳۷۵	خالص صادرات کالاها و خدمات
۹/۶	۱۶/۰	۱۰۲,۳۳۶	۹۳,۳۵۲	۶۰۹,۰۳۹	صادرات کالاها و خدمات
۹/۲	۱۵/۵	۲۰۳,۳۹۶	۱۸۶,۳۴۳	۴۹۵,۶۶۴	واردات کالاها و خدمات
-۱۶/۲	۵۳/۷	۱۰,۵۷۳	۴۸,۴۰۰	۱۳۶,۹۴۳	تغییرات موجودی انبار و اشتباهات آماری
۶/۳	۲۱/۹	۵۱۲,۵۵۸	۴۸۲,۱۰۱	۱,۹۲۴,۶۸۸	محصول ناخالص داخلی

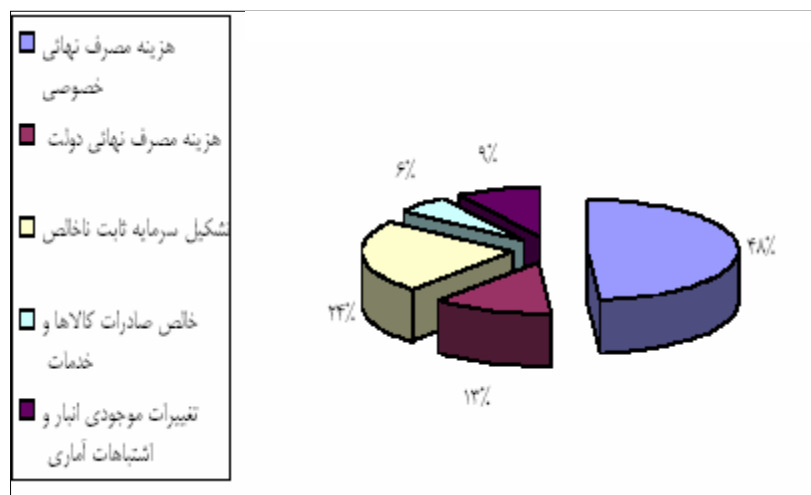
مأخذ: پرتال مرکز آمار ایران، لایه مربوط به حساب‌های ملی ایران.



۳-۶. سهم اجزای هزینه در محصول ناخالص داخلی

بیشترین سهم در محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵ متعلق به مصرف نهایی خصوصی (خانوار و مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار) است. هر یک از اجزای هزینه در GDP به قیمت جاری به ترتیب عبارتند از: مصرف نهایی خصوصی ۴۸/۷ درصد، مصرف نهایی دولت ۱۳ درصد، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۲۳/۶ درصد و خالص صادرات و واردات ۵/۷ درصد. جدول ۴ اطلاعات مربوط به سهم هر یک از اجزای هزینه در محصول ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری و ثابت را نشان می‌دهد.

نمودار ۵. سهم اجزای هزینه در محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵



مأخذ: مرکز آمار ایران.

جدول ۴. سهم اجزای هزینه در محصول ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵

(میلیارد ریال - درصد)

به قیمت‌های جاری، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶

شرح فعالیت	سهم از محصول ناخالص داخلی ۱۳۸۵		سهم از محصول ناخالص داخلی ۱۳۸۴	
	ثابت	جاری	ثابت	جاری
هزینه مصرف نهایی خصوصی	۶۷/۸	۴۸/۷	۶۵/۸	۴۸/۷
هزینه مصرف نهایی دولت	۱۲/۹	۱۳/۰	۱۲/۴	۱۳/۰
تشکیل سرمایه ثابت ناخالص	۳۱/۲	۲۳/۶	۳۱/۱	۵۲/۳
خالص صادرات کالاها و خدمات	-	۵/۷	-	۵/۹
تغییرات موجودی انبار و اشتباهات آماری	۷/۹	۹/۰	۱۰/۰	۷/۱
محصول ناخالص داخلی (به قیمت بازار)	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

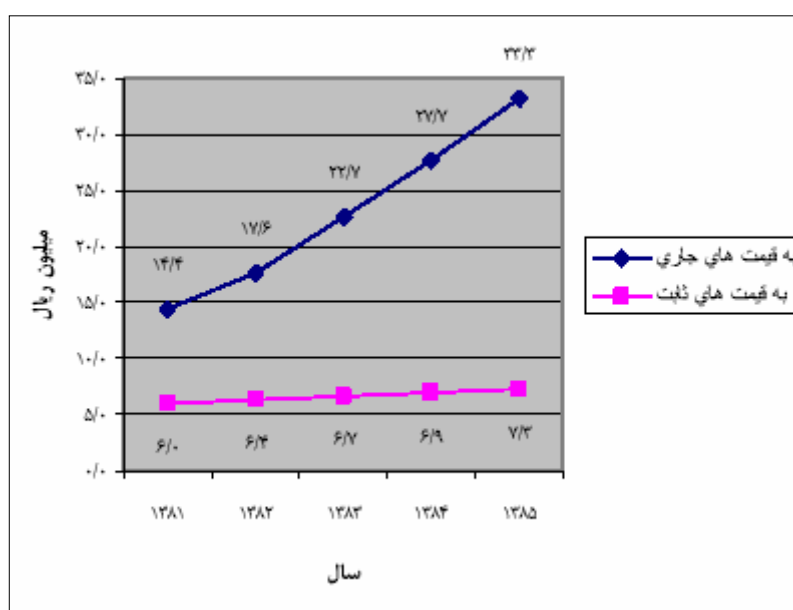
مأخذ: مرکز آمار ایران.



۴-۶. محصول ناخالص داخلی سرانه

محصول ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های جاری و ثابت از سال ۱۳۸۱ دارای روند صعودی بوده است به طوری که این نماگر به قیمت‌های جاری از ۱۴/۴ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ به ۳۳/۳ میلیون ریال در سال ۱۳۸۵ و به قیمت‌های ثابت از ۶ میلیون ریال در سال ۱۳۸۱ به ۷/۳ میلیون ریال در سال ۱۳۸۵ رسیده است. محصول ناخالص داخلی سرانه طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۵ در جدول ۵ نشان داده شده است.

نمودار ۶. محصول ناخالص داخلی سرانه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵



مأخذ: مرکز آمار ایران.

جدول ۵. محصول ناخالص داخلی سرانه در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۵ به قیمت‌های جاری -

(میلیون ریال)

به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶

شرح	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
محصول ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های جاری	۱۴/۴	۱۷/۶	۲۲/۷	۲۷/۷	۳۳/۳
محصول ناخالص داخلی سرانه به قیمت‌های ثابت	۶/۰	۶/۴	۶/۷	۶/۹	۷/۳

مأخذ: پرتال مرکز آمار ایران.

۴-۶. محصول ناخالص داخلی استان‌ها

همان‌طور که در نمودار ۷ نشان داده شده است، استان تهران به تنهایی ۲۴/۴ درصد محصول ناخالص داخلی کشور را تأمین می‌کند. در حالی که ۱۸ درصد جمعیت کشور را دربردارد. استان



جدول ۶. محصول ناخالص داخلی استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۴ (میلیارد ریال - درصد)

نام استان	۱۳۷۹		۱۳۸۰		۱۳۸۱		۱۳۸۲		۱۳۸۳		۱۳۸۴	
	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال
کل کشور	۱۰۰/۰	۶۳۰,۰۳۹	۱۰۰/۰	۷۳۳,۹۰۹	۱۰۰/۰	۹۵۲,۷۳۹	۱۰۰/۰	۱,۱۸۶,۰۹۶	۱۰۰/۰	۱,۵۴۸,۴۹۵	۱۰۰/۰	۱,۹۲۴,۶۸۸
آذربایجان شرقی	۴/۰	۲۴,۹۲۱	۰/۴	۲۹,۰۲۹	۳/۹	۳۷,۴۶۸	۳/۸	۴۴,۵۶۲	۲/۷	۵۷,۹۶۴	۲/۵	۶۸,۰۹۹
آذربایجان غربی	۲/۲	۱۳,۹۶۱	۲/۲	۱۵,۸۷۳	۲/۱	۱۹,۹۰۷	۲/۱	۲۴,۳۳۴	۱/۹	۲۹,۴۸۷	۱/۹	۳۷,۳۲۴
اردبیل	۱/۰	۶,۳۸۴	۱/۰	۷,۴۱۷	۱/۰	۹,۶۲۸	۱/۰	۱۲,۰۶۱	۱/۰	۱۴,۷۶۴	۰/۹	۱۷,۶۰۶
اصفهان	۶/۲	۳۸,۸۲۱	۶/۲	۴۴,۲۳۱	۵/۸	۵۵,۶۸۴	۶/۳	۷۴,۱۷۶	۶/۵	۱۰۱,۰۵۹	۶/۲	۱۱۹,۳۳۰
ایلام	۰/۶	۳,۹۲۵	۰/۷	۴,۹۴۲	۰/۵	۴,۸۰۲	۰/۵	۵,۹۷۹	۰/۷	۱۱,۳۹۰	۱/۰	۱۹,۴۳۱
بوشهر	۱/۰	۶,۵۴۴	۱/۰	۹,۱۱۸	۱/۴	۱۳,۰۲۰	۲/۲	۲۷,۶۲۵	۲/۲	۴۸,۸۳۸	۲/۲	۴۱,۵۴۳
تهران	۲۴/۴	۱۵۲,۷۲۸	۲۴/۴	۱۹۲,۱۱۶	۲۵/۷	۲۴۴,۶۰۳	۲۶/۲	۳۱۰,۴۳۵	۲۵/۲	۳۹۰,۸۹۸	۲۴/۴	۴۶۹,۳۰۳
چهارمحال و بختیاری	۰/۶	۳,۸۳۱	۰/۶	۴,۷۵۲	۰/۶	۶,۰۰۹	۰/۶	۷,۳۴۰	۰/۶	۸,۹۱۴	۰/۶	۱۱,۳۱۰
خراسان جنوبی	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۴	۶,۵۷۱	۰/۵	۸,۷۳۸
خراسان رضوی	۶/۲	۳۹,۱۳۰	۶/۲	۴۶,۲۷۱	۶/۱	۵۷,۸۸۶	۶/۱	۷۲,۰۸۷	۴/۹	۷۵,۷۵۰	۴/۸	۹۱,۴۴۷
خراسان شمالی	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۰	۰	۰/۶	۹,۴۴۱	۰/۶	۱۲,۰۱۴
خوزستان	۱۴/۴	۹۰,۸۵۱	۱۴/۳	۹۷,۶۶۳	۱۴/۹	۱۴۱,۹۵۴	۱۴/۷	۱۶۲,۰۶۷	۱۴/۶	۲۲۶,۶۹۵	۱۵/۶	۳۰۰,۲۰۵
زنجان	۰/۹	۵,۵۶۴	۰/۸	۶,۰۱۸	۰/۸	۷,۸۷۰	۰/۸	۹,۹۷۱	۰/۸	۱۲,۱۴۲	۰/۹	۱۶,۸۹۶
سمنان	۰/۷	۴,۷۲۱	۰/۸	۵,۷۷۲	۰/۸	۷,۲۳۳	۰/۸	۹,۰۳۵	۰/۸	۱۳,۰۵۵	۰/۸	۱۴,۶۷۷
سیستان و بلوچستان	۱/۱	۶,۹۳۱	۱/۱	۸,۳۸۲	۱/۱	۱۰,۱۹۶	۱/۱	۱۲,۳۳۷	۱/۰	۱۵,۳۴۲	۱/۰	۱۹,۹۴۲
فارس	۴/۱	۲۵,۹۲۹	۴/۱	۳۱,۴۷۰	۴/۳	۴۲,۳۷۱	۴/۴	۵۲,۳۵۵	۴/۳	۶۷,۰۳۷	۴/۱	۷۹,۱۳۸
قزوین	۱/۶	۱۰,۰۵۰	۱/۶	۱۲,۰۴۲	۱/۶	۱۳,۷۴۶	۱/۴	۱۶,۶۳۹	۱/۴	۲۰,۵۰۲	۱/۳	۲۵,۸۹۳
قم	۰/۹	۵,۸۸۸	۰/۹	۷,۳۸۳	۱/۰	۹,۶۳۱	۱/۰	۱۱,۷۵۶	۱/۰	۱۵,۳۳۳	۰/۹	۱۷,۹۶۸
کردستان	۰/۹	۵,۹۷۹	۰/۹	۶,۷۷۲	۰/۹	۹,۰۱۸	۰/۹	۱۱,۱۹۷	۰/۹	۱۴,۳۸۶	۰/۹	۱۷,۴۸۰
کرمان	۳/۲	۲۰,۱۴۰	۳/۲	۲۰,۱۷۸	۲/۷	۲۵,۳۴۳	۲/۶	۲۹,۲۹۸	۲/۴	۳۶,۹۲۹	۲/۶	۵۰,۵۲۷
کرمانشاه	۱/۴	۸,۷۵۰	۱/۴	۱۰,۶۴۱	۱/۴	۱۳,۶۶۳	۱/۴	۱۷,۳۸۸	۱/۵	۲۲,۸۱۸	۱/۴	۲۶,۳۷۷
کهگیلویه و بویراحمد	۵/۲	۳۲,۶۶۰	۵/۲	۳۰,۸۵۸	۴/۲	۳۶,۹۴۲	۳/۹	۴۱,۴۲۱	۳/۵	۶۰,۹۷۶	۴/۲	۷۹,۹۷۲
گلستان	۱/۴	۹,۰۵۸	۱/۴	۱۰,۱۵۹	۱/۴	۱۲,۹۵۷	۱/۴	۱۶,۴۸۵	۱/۴	۲۱,۱۶۶	۱/۳	۲۴,۲۸۳
گیلان	۲/۵	۱۵,۶۸۶	۲/۵	۱۸,۴۹۴	۲/۵	۲۳,۵۹۲	۲/۵	۲۸,۵۶۷	۲/۴	۳۴,۰۰۶	۲/۱	۴۱,۳۵۱
لرستان	۱/۳	۸,۲۴۷	۱/۳	۹,۹۵۲	۱/۴	۱۱,۸۶۴	۱/۲	۱۴,۵۱۱	۱/۲	۱۷,۹۱۰	۱/۲	۲۲,۴۲۲
مازندران	۳/۵	۲۱,۹۸۴	۳/۵	۲۷,۵۱۰	۳/۷	۳۴,۵۶۴	۳/۶	۴۳,۱۶۳	۳/۶	۵۱,۶۸۹	۳/۳	۶۳,۳۰۳
مرکزی	۲/۲	۱۳,۸۱۸	۲/۲	۱۷,۶۱۵	۲/۴	۲۱,۹۳۲	۲/۳	۲۵,۶۸۳	۲/۲	۳۲,۶۶۹	۲/۰	۳۷,۶۲۰
هرمزگان	۱/۹	۱۱,۹۶۷	۱/۹	۱۴,۸۲۹	۲/۰	۱۷,۳۶۵	۱/۸	۲۲,۴۷۷	۱/۹	۳۱,۸۶۳	۱/۸	۳۵,۳۹۸
همدان	۱/۴	۹,۰۴۰	۱/۴	۱۱,۱۶۵	۱/۵	۱۴,۱۱۸	۱/۵	۱۶,۵۵۸	۱/۴	۲۲,۲۰۰	۱/۳	۲۵,۹۶۶
یزد	۱/۱	۷,۲۳۰	۱/۱	۹,۱۰۱	۱/۲	۱۱,۶۸۳	۱/۲	۱۴,۰۲۰	۱/۱	۱۶,۷۳۵	۱/۲	۲۲,۶۰۳
فرمانقه	۳/۹	۲۴,۲۹۰	۳/۹	۲۴,۱۵۵	۳/۳	۳۷,۸۸۸	۴/۰	۴۲,۵۵۸	۳/۶	۵۹,۰۶۸	۵/۵	۱۰۶,۶۲۱

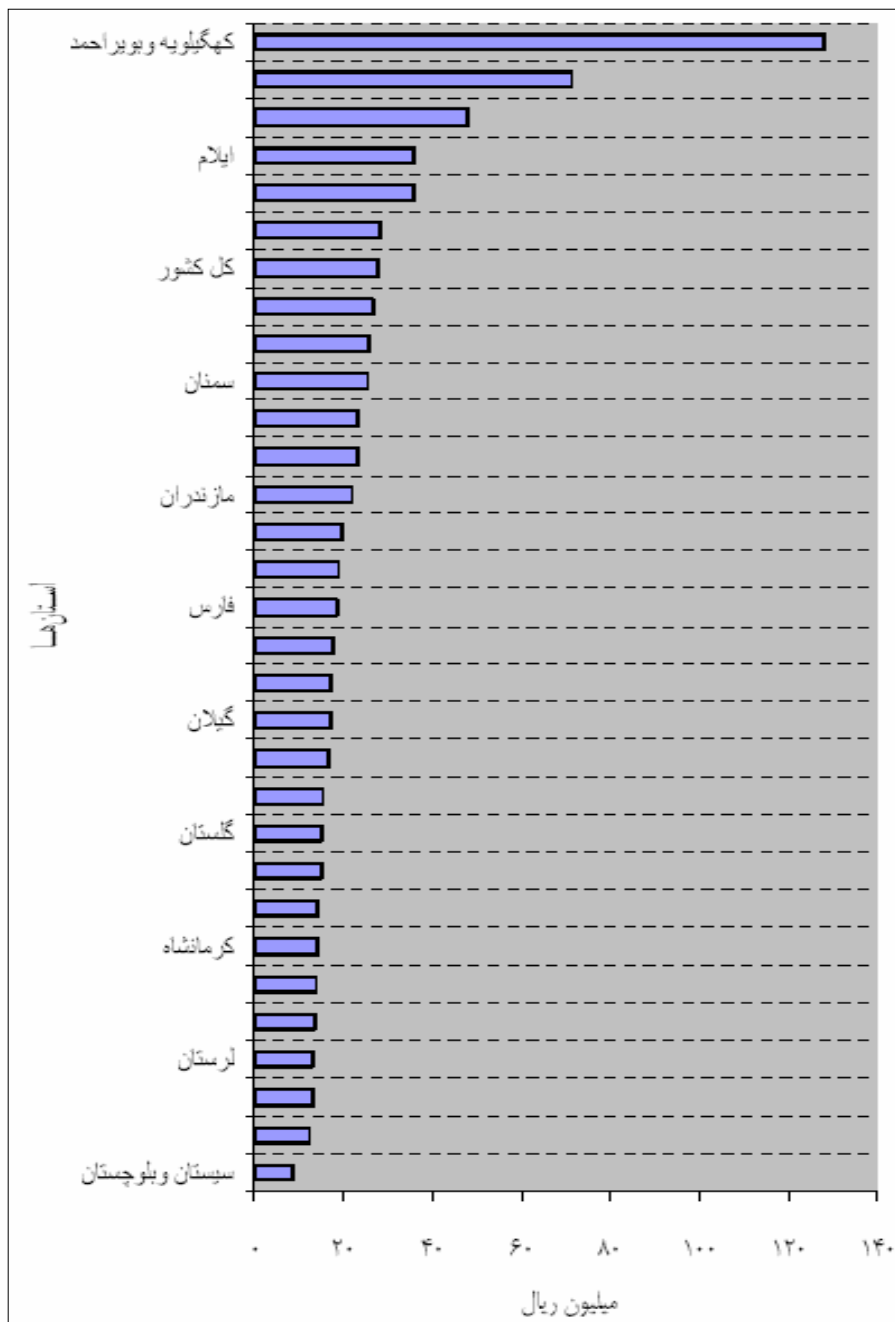
مأخذ: مرکز آمار ایران، پرتال آماری حساب‌های ملی ۱۳۸۴.

محصول ناخالص داخلی سرانه اکثر استان‌های کشور طی دوره ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۴ دارای سیر صعودی بوده است. محصول ناخالص داخلی سرانه شش استان شامل کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، ایلام، تهران و مرکزی از محصول ناخالص داخلی سرانه کل کشور بیشتر و محصول ناخالص داخلی سرانه بیست و چهار استان از متوسط کل کشور کمتر است. بیشترین GDP سرانه در میان استان‌های کشور در سال ۱۳۸۴ معادل ۱۲۸ میلیون ریال متعلق به استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است. استان سیستان و بلوچستان کمترین GDP سرانه را در سال ۱۳۸۴ معادل ۸/۵



میلیون ریال داشته است. این رقم تقریباً یک‌سوم سرانه کل کشور در سال مورد بحث است. بعد از سیستان و بلوچستان استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، لرستان و چهارمحال و بختیاری نیز در رده استان‌هایی قرار دارند که کم‌ترین محصول ناخالص داخلی سرانه را دارند. GDP سرانه استان تهران در سال ۱۳۸۴ معادل ۳۵/۹ میلیون ریال بوده است. جدول ۶ محصول ناخالص داخلی سرانه استان‌های کشور را در سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۴ نشان می‌دهد.

نمودار ۸. محصول ناخالص داخلی سرانه استان‌ها در سال ۱۳۸۴





جدول ۷. محصول ناخالص داخلی سرانه به تفکیک استان در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۴ (میلیون ریال)

نام استان	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
کل کشور	۹/۸	۱۱/۲	۱۴/۴	۱۷/۶	۲۲/۷	۲۷/۷
آذربایجان شرقی	۷/۳	۸/۴	۱۰/۷	۱۲/۷	۱۶/۴	۱۹/۱
آذربایجان غربی	۵/۳	۵/۹	۷/۳	۸/۸	۱۰/۵	۱۲/۲
اردبیل	۵/۴	۶/۲	۸/۰	۱۰/۰	۱۲/۲	۱۴/۴
اصفهان	۹/۳	۱۰/۴	۱۲/۹	۱۷/۰	۲۲/۸	۲۶/۶
ایلام	۷/۷	۹/۶	۹/۲	۱۱/۳	۲۱/۳	۲۶/۰
بوشهر	۸/۲	۱۱/۲	۱۵/۷	۴۴/۶	۵۷/۰	۴۷/۷
تهران	۱۳/۳	۱۶/۲	۲۰/۱	۲۴/۹	۳۰/۶	۳۵/۸
چهارمحال و بختیاری	۴/۸	۵/۹	۷/۳	۸/۹	۱۰/۶	۱۲/۳
خراسان جنوبی	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۰/۷	۱۴/۰
خراسان رضوی	۷/۷	۹/۰	۱۱/۰	۱۳/۵	۱۴/۰	۱۶/۶
خراسان شمالی	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۱/۹	۱۵/۰
خوزستان	۲۲/۰	۲۴/۳	۳۴/۹	۳۹/۴	۵۴/۴	۷۱/۲
زنجان	۶/۰	۶/۴	۸/۴	۱۰/۶	۱۳/۸	۱۷/۶
سمنان	۸/۸	۱۰/۶	۱۳/۰	۱۶/۱	۲۲/۸	۲۵/۳
سیستان و بلوچستان	۳/۵	۴/۱	۴/۸	۵/۶	۶/۸	۸/۵
فارس	۶/۴	۷/۷	۱۰/۲	۱۲/۵	۱۵/۹	۱۸/۵
قزوین	۹/۷	۱۱/۴	۱۲/۸	۱۵/۳	۱۸/۵	۲۲/۰
قم	۶/۳	۷/۸	۹/۹	۱۱/۹	۱۵/۲	۱۷/۵
کردستان	۴/۳	۴/۹	۶/۴	۷/۹	۱۰/۱	۱۲/۲
کرمان	۸/۹	۸/۷	۱۰/۶	۱۱/۹	۱۴/۷	۱۹/۵
کرمانشاه	۴/۸	۵/۸	۷/۴	۹/۴	۱۲/۳	۱۴/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۵۶/۳	۵۲/۳	۶۱/۸	۶۸/۳	۹۹/۰	۱۲۸/۰
گلستان	۶/۰	۶/۷	۸/۴	۱۰/۶	۱۳/۴	۱۵/۲
گیلان	۶/۸	۸/۰	۱۰/۱	۱۲/۱	۱۴/۳	۱۷/۳
لرستان	۵/۰	۶/۰	۷/۱	۸/۷	۱۰/۶	۱۳/۲
مازندران	۸/۱	۱۰/۰	۱۲/۴	۱۵/۳	۱۸/۱	۲۱/۹
مرکزی	۱۰/۸	۱۳/۶	۱۶/۸	۱۹/۶	۲۴/۶	۲۸/۱
هرمزگان	۱۰/۰	۱۲/۰	۱۳/۷	۱۷/۳	۲۲/۹	۲۵/۹
همدان	۵/۴	۶/۶	۸/۳	۹/۸	۱۳/۱	۱۵/۳
یزد	۸/۲	۱۰/۱	۱۲/۷	۱۵/۰	۱۷/۵	۲۳/۳

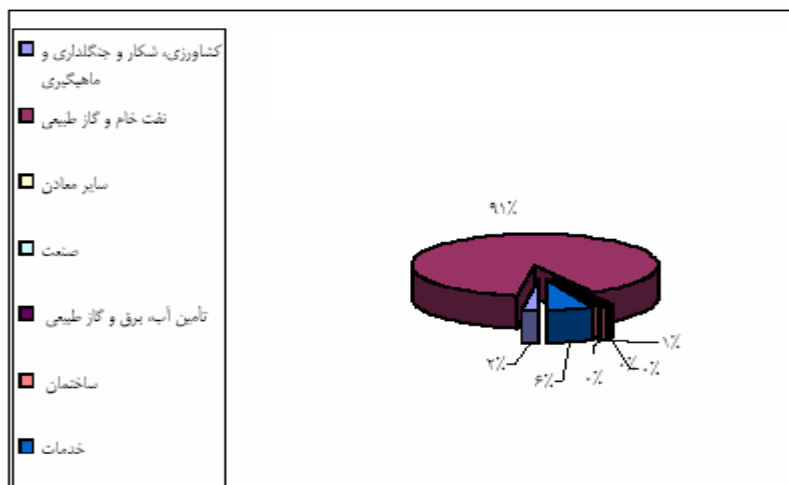
۶-۶. ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در استان‌ها

ارزش افزوده بخش‌های عمده اقتصادی در استان‌های کشور در جداول ۸، ۹ و ۱۰ نشان داده شده است. بجز استان‌های نفت‌خیز، در اکثر استان‌ها بخش خدمات اداری بیشترین ارزش افزوده است.



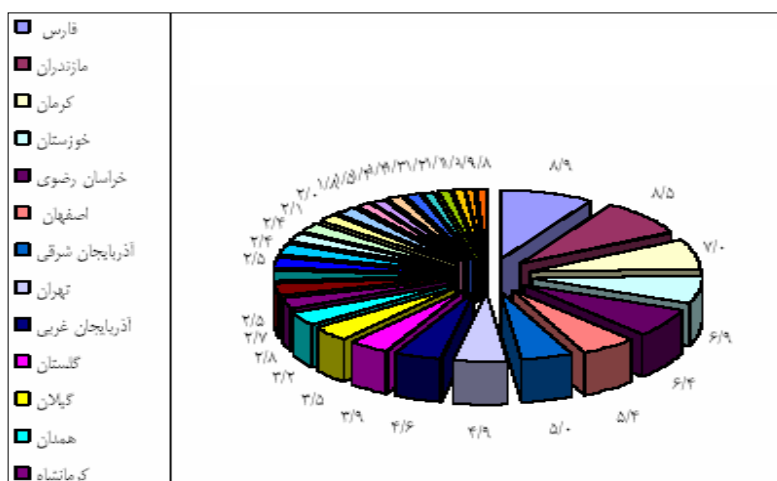
در استان‌های نفت‌خیز، ارزش افزوده بخش نفت سایر فعالیت‌های اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار داده است. به‌عنوان مثال در استان کهگیلویه و بویراحمد سهم ارزش افزوده رشته فعالیت استخراج نفت خام و گاز طبیعی ۹۰/۱ درصد جمع ارزش افزوده این استان در سال ۱۳۸۴ است. درحالی‌که سایر فعالیت‌های استان فقط ۹ درصد GDP را تأمین می‌کنند.

نمودار ۱۱. ساختار اقتصادی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۴



بیشترین ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۴ به میزان ۸/۹ درصد در استان فارس ایجاد شده است. سهم ارزش افزوده کشاورزی در استان‌های قم و ایلام کمتر از ۱ درصد است. استان‌های فارس، مازندران، کرمان، خوزستان، خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی و تهران در سال ۱۳۸۴ جمعاً ۵۳ درصد ارزش افزوده کل کشور را در بخش کشاورزی (شامل زراعت و باغداری، دامداری، مرغداری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری) تأمین کرده است.

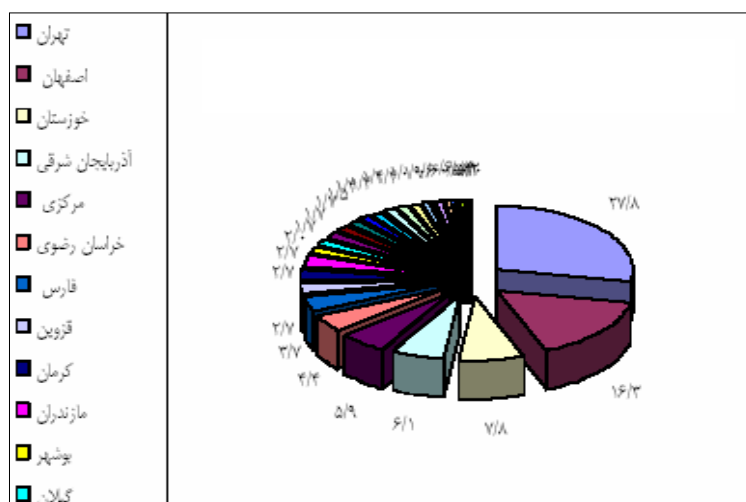
نمودار ۱۲. سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال ۱۳۸۴





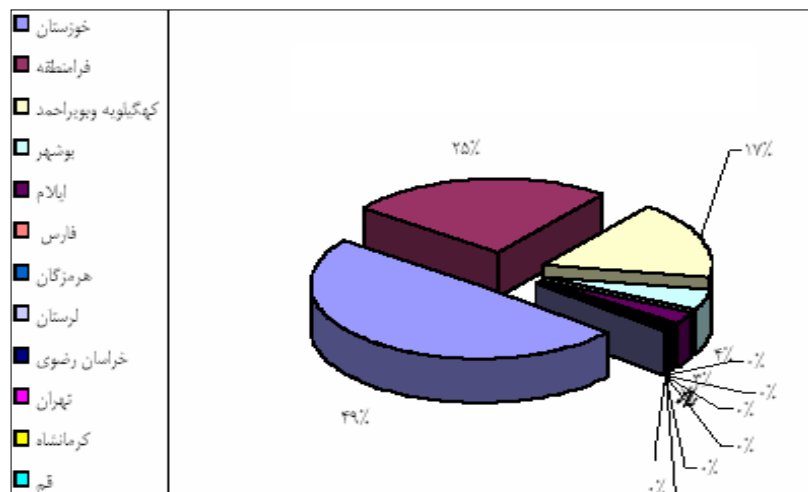
استان تهران بیشترین سهم ارزش افزوده را در بخش صنعت دارد. دو استان تهران و اصفهان روی هم ۴۴/۱ درصد از کل ارزش افزوده بخش صنعت را تأمین می‌کنند. ده استان لرستان، خراسان شمالی، اردبیل، گلستان، سیستان و بلوچستان، کردستان، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد هر یک کمتر از ۱ درصد ارزش افزوده بخش صنعت را دارند. جمعاً حدود ۵ درصد ارزش افزوده بخش صنعت در ده استان یاد شده ایجاد می‌شود.

نمودار ۱۳. سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت در سال ۱۳۸۴



ارزش افزوده استخراج نفت خام و گاز طبیعی در استان خوزستان بیشترین درصد (۴۹ درصد) را دارد و بعد از آن فرامنطقه ۲۵ درصد ارزش افزوده بخش نفت خام و گاز طبیعی را داراست. منظور از فرامنطقه، آب‌های ساحلی است که به هیچ‌یک از استان‌ها تعلق ندارد.

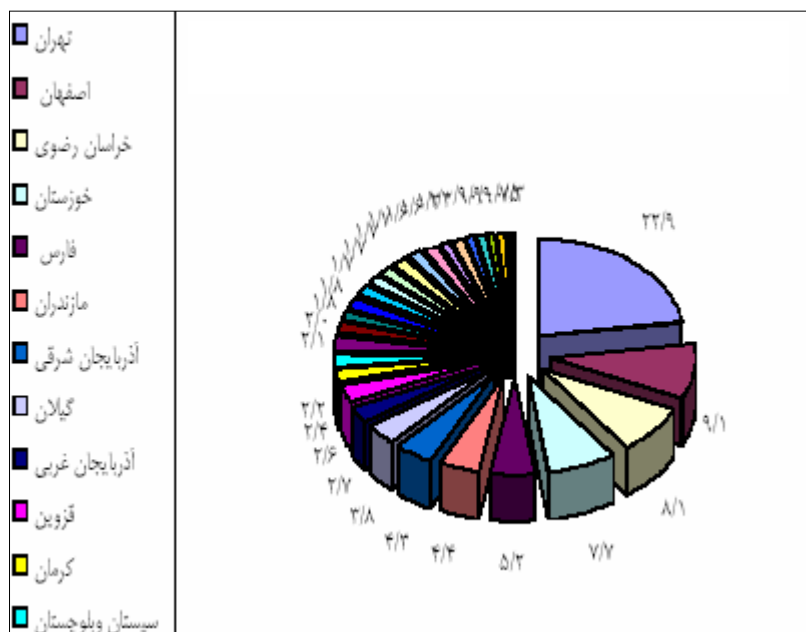
نمودار ۱۴. سهم استان‌ها در ارزش افزوده بخش نفت





۲۳ درصد ارزش افزوده بخش ساختمان در سال ۱۳۸۴ در استان تهران ایجاد شده است. استان‌های اصفهان با سهم ۹/۱ درصد و خراسان رضوی با سهم ۸/۱ درصد و خوزستان با سهم ۷/۷ درصد در رده‌های بعد قرار دارند. استان‌های سمنان، ایلام، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و خراسان جنوبی کمتر از ۱ درصد ارزش افزوده بخش ساختمان را تأمین می‌کنند. جمعاً فقط ۴/۴ درصد ارزش افزوده ساختمان در استان‌های مذکور ایجاد می‌شود.

نمودار ۱۵. سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش ساختمان در سال ۱۳۸۴





شماره مسلسل: ۹۰۵۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تشریح ساختار حساب‌های ملی و سهم هریک از استان‌ها از تولید ناخالص داخلی
Report Title: Analysis of Structure of National Accounts and Share of each Provinces in Gross Domestic Product

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: افشین حیدرپور

ناظر علمی: بهروز تصدیقی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. حساب‌های ملی (National Accounts)

۲. ارزش افزوده (value added)

۳. اقتصاد کلان (Macro economics)

۴. تولید ناخالص داخلی (Gross Domestic product)

۵. رشد اقتصادی (Economic Growth)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۴/۱۸